

## شیوه ها و میتود های تربیت و پرورش اطفال و وظایف والدین در روشنایی فرامین مبارک مولانا حاضر امام (علیه اسلام)

نویسنده: مولانظر "حقدوست"

ارسالی: محمد جان فروتن

۱۶ جدی ۲۰۱۵



تربیت و پرورش دو کلمه مترادف اند، و به معنی پروردن، پروراندن، پرورش دادن، و ادب و اخلاق به کسی یاد دادن است.

حضرت محمد (ص) فرموده است: "هرگاه انسان مرد، عمل او در روی زمین قطع میشود به جز از سه عمل:

- ✓ صدقه جاریه.
- ✓ عملی که مورد استفاده مشروع قرار گیرد.
- ✓ فرزند صالح و نیکوکاری که برای او دعای خیر کند.

"هرگاه مرگ کسی فرا رسد خداوند (ج) آنرا به تاخیر نمی اندازد، اما افزونی عمر و طولانی بودن آن این است که خداوند(ج) فرزند نیکو کار را نصیب هریک از بندگان خود کند که بعد از مرگش برای او دعای خیر کند و خداوند(ج) دعای خیرایشان را به او میرساند."

والدین محترم و بزرگ سالان گرامی :

"کودک امانتی است در دست پدر و مادرش و قلب پاکش جوهری است صافی و خالی از هر نوع نقش و تصور، و آماده گرایش پیدا کردن و پذیرفتن هرآنچه بسوی آن کشیده شود دارد. پس اگر خیر و نیکی به او آموخته و تربیه شود، مسلماً به آن عادت میکند و بر آن پرورش می یابد."

در نتیجه هم خود او، هم پدر و مادر و سایر تربیت کننده گانش در دنیا و آخرت خوشبخت و سعادت‌مند خواهند شد. اما اگر شرو تبائی به او آموخته شود و در آن جهت تربیه گردد و به مانند حیوان رها شود و از توجه پدر و مادر دور انداخته شود، قطعاً بدبخت و منحرف بار می آید و والدین در مرحله نخست مسئول این کار اند، بناً متوجه این مسئولیت بزرگ خود بود. ای کسیکه سرپرستی خانه و خانواده را بر عهده داری، هرگاه مسئولیت تربیت و پرورش درست کودک خود را ننمایی و او را در محیط ناسازگار به حال خودش بگذاری، بیم آن می‌رود که دو برابر عذاب بینید و به علت عدم توجه به آن جوهر مکرم و شریف، مورد عذاب سختی قرار گیری.

حضرت رسول اکرم(ص) مسئولیت کامل تربیت کودکان را بردوش والدین گذاشته و ایشان را بر این کار تشویق نموده است.

حضرت علی (ع) در خطبه ای که درباره آفرینش جهان بحث می‌کند می‌فرماید:

" اساس دین ، شناختن خدا (ج) است، شناخت کامل خدا (ج) گرویدن به اوست، گروش کامل به خدای یگانه. تلقی کردن خداست و کمال توحید، خالص گردانیدن عمل برای او می باشد. بنابراین پرستش خدا یعنی قدم در راه کمال گذاشتن، در مسیر حق حرکت کردن، حرکتی دایمی و مطمئن داشتن، حرکتی بسوی ابدیت جریان دارد، حرکتی که تا بی نهایت رشد فرد و جمع را تضمین میکند، حرکتی که نفی پلیدی ها و تثبیت ارزش های اساسی را در بر دارد ، حرکتی که در آن ایثار و عدالت در مناسبات انسانی به نحوی کامل تحقق می پذیرد و بلاخره حرکتی که انسان را برای سعادت ابدی و ملاقات با پروردگار آماده میسازد."

علاوه از پرستش خداوند(ج) اهداف زیر نیز جزء هدف های تربیت اسلامی هستند. در کتاب تعلیم و تربیت اسلامی بحث گردیده است که در اینجا تنها عناوین هدف را نقل کرده و خوانندگان را برای بررسی بیشتر درین زمینه به مطالعه این کتاب دعوت مینماید.

- ✓ تقوا
- ✓ تعلیم حکمت
- ✓ عدالت خواهی
- ✓ تکامل انسان
- ✓ برادری و همکاری
- ✓ دوستی با ملل دیگر
- ✓ پرورش نیروی تفکر
- ✓ پرورش روح اجتماعی
- ✓ پرورش شخصیت اخلاقی

بنابراین تربیت فرزندان در واقع اساس و نخستین راه و روش عبادت خداوند(ج) بوده و میباید. دعا خواندن که خود عبادت است، جزء روش اساسی تربیت اسلامی است. عبادت غالباً فرد را به عظمت مقام حق تعالی، رأفت الهی ، نعمت های خداوندی، خودشناسی، مطالعه اعمال خود، اعتراف به گناه، توبه و امید به

بخشایش الهی، تعهد برای جبران گذشته، محاسبه و ارزیابی اعمال خود و اعمالی ازین قبیل متوجه میسازد.

پیروی از عقل در تربیت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، پاداش و تنبیه، پند و اندرز دادن، تربیت از طریق ذکر مثال ها و تربیت از طریق جلب توجه به سرگذشت اقوام و ملل.

مولانا حاضر امام (صلوٰةالله علیه) در فرمان مبارک شان فرموده اند:

" من میل دارم از میان شما آنانی که والدین هستند، آنان باید بر فرزندان خویش دلچسپی داشته باشند، به آنها کمک و رهنمایی و جرأت ببخشند. این طور نباشد که آنان تا دوسال با کمک شما کار کنند و سپس احساس نمایند که شما دلچسپی تان را نسبت به آن ها ترک گفته اید. من میخواهم که فرزندان روحانی ام از تعلیم خویش استفاده کنند و در آن بطور کامل سهیم گردند." (مباسا 11 می 1961 م)

از آن جائیکه هیچ فردی نمیتواند به تنهایی زندگی کند و به مجرد تولد طفل، در میان یک ملت و جامعه دارای وظایفی نسبت به او میگردد، پس باید تربیت او طوری انجام گیرد که نه تنها مضر و مانع منافع جامعه نشود، بلکه مفید و ترقی بخش جامعه گردد.

چون کودک در حقیقت میوه دل بستگی و محبت و پیوند جسمانی پدر و مادر است و این دو به یک معنای از روی مجاز آفریدگار کودک اند، بناً پدر و مادر نخستین کسانی اند که با فرزندان خود در تماس اند و عالیترین نقش را در زمینه پرورش و تربیت و رشد شخصیت فرزند ایفا میکنند.

دامن پر مهر والدین اولین محیط مقدسی است که میتواند شایسته ترین فرزند را تربیت نماید. والدین از یک طرف منتقل کننده خصایص و ویژگی های وراثتی، یعنی عامل وراثت اند و از طرف دیگر عامل محیطی محسوب میشوند، زیرا موجودات زنده همواره صفات و خصایص خود را به نسل بعدی اش منتقل می کنند و در واقع هر نسلی وارث صفات نسل قبلی خود است و به موجب همین قانون فرزندان از صفات و خصایص پدر و مادر خود شکل میگیرند.

پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد(ص) فرموده است:

" فرزند هم استعداد دارد گرگ خو شود و هم میتواند به مقامات بلند و عالی انسانی برسد، این پدر و مادر هستند باید که تلاش کنند تا او را برای آینده اسلام و جامعه، فردی آگاه و صالح و خدمت گذار پرورش دهد."

مولانا حاضر امام (صلوٰةالله علیه) در زمینه فرموده اند:

" میخواهم بخاطر داشته باشید که اگر شما بتوانید اصول درست را در اذهان و دل های فرزندان خویش که در سنین کم قرار دارند، جا دهید این اصول در تمام زندگی در آن ها باقی میماند، به این خاطر من همواره بشما فرموده ام که از فرزندان کوچک تان باید بسیار مراقبت به عمل آورید بویژه در سال های (ابتدایی) رشد شان." (مباسا 11 می 1961 م)

یکی از تحولات مثبت در تعلیم و تربیه توجه به اهمیت دوران کودکی اوست، این دوران در زندگی طفل از اهمیت بخصوصی برخوردار است. و شالوده شخصیت انسان معمولاً در همین دوران گذاشته میشود، در گذشته به اهمیت این دوران در سرنوشت کودک توجه لازم نمیشد، و والدین به این باور بودند که کودک در این مرحله در خور توجه نیست، و به این ترتیب در زمینه تربیت او نمی کوشیدند. ازین رو غالباً با بی توجهی و بی اعتنائی و با روش خشونت آمیز با کودک رفتار میکردند، تنبیه جسمی را بهترین وسیله برای تربیت فرزندان خود میدانستند.

مگر علم روانشناسی امروزی این گونه تربیت را مردود شمرده است و میگوید: بسیاری از نابسامان های روانی و اخلاقی انسان، ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است. همه این بررسی ها نشان میدهند که باید تربیه کودک را جدی گرفت. یکی از روانشناسان امریکائی میگوید که از حکیمی پرسیدند از چه زمانی باید تربیت طفل را آغاز کرد؟

حکیم در پاسخ گفت: از بیست سال قبل از تولد. این سخن حکیمانه در خورتوجه است و معنای آن حضور معنوی نسل پیشین در زندگی روانی نسل حاضر است.

هدف های تربیتی در صورت درست اندک دارای ویژگی های ذیل باشند:

- 1- هدف های تربیتی باید با توجه به معنی رشد بیان شوند.
- 2- هدف های تعلیم و تربیت باید با توجه بر رفتار افراد تهیه گردند.
- 3- هدف های تربیتی باید با یکدیگر سازگار باشند.
- 4- باید متناسب با آیده آلهای اجتماعی و کمالات انسانی جامعه باشند.
- 5- باید قابل اجرا باشند.
- 6- باید جامع باشند.
- 7- باید قابل تغییر باشند.
- 8- باید برای دست اندرکاران تعلیم و تربیه قابل فهم باشند.

داکتر مظلومی درباره تربیت میفرماید:

تربیت پرورش نیست بلکه ربانی کردن نفس است. زیرا فرزند بر فطرت توحید متولد شده و استعداد های خود سازی و خود روی در او است، برای درستی حرکت او، بعث و رسالت طرح شده و می باید که زیربنای تربیتش، چنین باشد: دانستن، تفکر کردن، راه یابی نمودن، تحقق کردن و فهمیدن، عمل کردن، صفت ساختن، ملکه و سیرت و سجه یافتن و به اعتقاد و ایمان قلبی رسیدن.

بنابراین کلمه تربیت در مکتب اسلام معنایی جهت دار و معروف است و دو اصل مهم دارد که عبارت اند از:

- 1- سلامت وجود، سلامت نفسانی، سلامت عقلانی، سلامت رغبتی
- 2- حرکت وجود، حرکتی بسوی بهتری و والاتری.

اساس حرکت تربیتی فرزند را باید بر دو پایه بنا نهاد:

- 1- فطرت، که مقدمه و زمینه ساز تربیت است.
- 2- رغبت، که مقدمه ایجاد حرکت و طلب از جانب فرزند است.

بطور کل در تربیت کودک همه چیز منوط به این است که همه جا اصول صحیح را برقرار و آنها را برای کودکان قابل درک و قابل قبول گردانیم، کودک باید که ترس از وجدان و مجزات الهی را جای نشین ترس از مردم بسازد. عزت نفس و وقار ذاتی را جای نشین ظن و گمان، ارزش ذاتی اعمال را جای نشین گفته ها و تمجید دیگران، عقل را جای نشین احساسات، نشات و شفقت و مهربانی و خوشروئی را جای نشین فداکاری آمیخته با ترس رویی، شرمندگی و دلتنگی کند.

برای کودک همه چیز به سرعت عوض میشود لذا وسایل تربیتی موفقی که امروز برای تربیتش به کار بردی، بعد از مدت کمی نا کار آمد میشوند.

بکوش با کودکت با ملایمت و لطافت رفتار کنی و بصورت دقیق و روشن به خاطر کارها و رفتار های خویش به او تبریک بگوئی. به عنوان مثال: بطور مبهم به او مگوی " تو با احساسی" بلکه به او بگوی: "من خیلی این حس مهربانی تو را دوست دارم، که اسباب بازی هایت را با دوستت تقسیم کردی از تو متشکرم."

هم تبریک و هم انتقاد را به اعمال و رفتار های خو مرتب کن، نه به اشخاص، بهتر است که مثلاً بگوئی: "پاره کردن کتاب های زیبا و خواندنی اشتبائی خیلی بزرگی است. بجای آنکه بگوئی: اگر کتابهای زیبا و خواندنی را پاره کنی آدم بدی هستی."

برای اینکه از کودک بخواهی تا رفتار منفورش را کنار بگذارد شیوه خاصی وجود دارد، با او طوری حرف بزن که گوئی او یک جوان بزرگ و پخته است. به عنوان مثال به او بگوی: "من این رفتار چند روزه تو با خواهرت را دوست ندارم. وقتی تو را این طور میبینم، خیلی ناراحت میشوم، باید خوب بدانی که هیچ کس غیر از خودت نمیتواند این رفتارت را تغییر دهد، لذا از تو می خواهم که رفتارت را عوض کنی." برای قبول کردن مسئولیت خود و کارهایش این بهترین شیوه است.

کودک خوش ندارد توجیحات تند و جدی را بپذیرد، مثال: بیا بخور، همین حالا به خانه برمیگردیم، بهترین اسباب بازی ات را بده برو بخواب،..... این شیوه قاطع و جمله های تند، اگر با شیوه ملایمت بیان شوند و زمینه کافی برای اجرای آن ها به کودک داده شوند، تاثیر زیادی خواهد داشت به عنوان مثال جمله های قبلی را به این شیوه تغییر بدهید. "تا ده می شمارم تا بیائی، صبحانه ات را بخوری، یک دقیقه دیگر بازی کن تا بعد برویم به خانه....."

همیشه برای کودک اسباب بازی و فعالیت را مناسب به سن اش انتخاب کن، برای او اشیائی انتخاب مکن که هنوز مناسب سنش نیستند چون برایش سنگین است یا باعث شکست و ناکامی کودک می شوند.

با عرض حرمت